

آرته

### جمهوری اسلامی

**آل سعود کارگزاران صهیونیسم**

● ای‌کاش سعودی‌ها از عواقب تلاش ناکام خود برای سرپوش گذاشتن بر ماهیت پلید اشغالگران صهیونیست و محو مسئله فلسطین عبرت می‌گیرند و با صهیونیست‌ها نزد عشق نمی‌باختند. ای‌کاش کسی به آنها گوشزد می‌کرد که ترامپ به هزینه سعودی‌ها و سایر دربار‌های عرب، از صهیونیست‌ها جانبداری می‌کند و حکایت اشغالگران اسرائیل بر بیت‌المقدس و جولان را به رسمیت می‌شناسد چون مطمئن بود که واکنشی متناسب با ابعاد خیانثش را از جانب دربار‌های عرب شاهد نخواهد بود و مشخصا دربار سعودی همچنان در خدمت اهداف ترامپ و نتانیاهو باقی خواهد ماند و برای به فراموشی سپردن «خطر اسرائیل»، تلاش می‌کند ایران را «خطر» معرفی کند! شاید هنوز هم چندان دیر نشده باشد. شاید بتوان بسیاری از اشتباهات گذشته را تا حدودی جبران کرد. شاید هنوز هم بتوان دشمنان اسلام را نویدم و مایوس کرد. ملت‌ها با قطع امید از دربار‌های عرب و با تشکیل هسته‌های مقاومت اسلامی سرگرم شالوده‌ریزی برای آینده‌ای هستند که منافع و مصالح اسلام و مسلمین در منطقه و فرمانطقه در «اولویت نخست» باشد...

## پیش‌زمینه

**شبکه‌های اجتماعی ودمکراسی #هشتکی!**

● **حسین نقاشی**،گفت‌وشنودهایی که در پای یک پست اینستاگرامی یا توییتری و فیس‌بوکی شکل می‌گیرد یا گفت‌وگوها و حتی جدل‌هایی که در گروه‌های بزرگ تلگرامی حول یک مسئله سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی و… واقع می‌شود، به‌روشنی یادآور گفت‌وگوها و جدل‌های در مجامع عمومی است. در واقع شبکه‌های اجتماعی بر دو موقله «شفافیت» و گسترش «گفت‌وگوی همگانی و عمومی» تأثیر گذاشته است. در نظر نگریذه که امروز به‌خصوص صاحبان قدرت (و البته صاحبان ثروت و منزلت نیز تا حدی چنین‌اند) چگونه خود را مکلف به توجه به این شبکه‌ها کرده‌اند! هم خود یا به این شبکه‌ها گذاشته‌اند و هم در قبال انتشار اخبار و بالا رفتن تب به نفع یا به ضررشان در این شبکه‌ها حساس‌اند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. سطح تأثیرگذاری در این حد است که مجبور می‌شوند درباره محل زندگی، میزان درآمد، تحصیل اطرافیان‌شان و مسائلی از این دست واکنش نشان دهند و یا برای نشان‌دادن شفافیت و بی‌شائبه‌بودن زندگی شخصی و سیاسی‌شان پیش‌دستانه در «طوفان‌های توییتری» شرکت کنند! این در واقع همان قدرت شبکه‌های اجتماعی است که در قالب اخبار در کمال‌های تلگرامی و گروه‌های کوچک و بزرگ آن یا واتس‌آپ و… می‌چرخد و یا در قالب «هشتک»‌ها در توییتر و اینستاگرام و فیس‌بوک داغ می‌شوند. اگر قدر در تعریف دمکراسی را «نصب، نقد و عزل» سلامت‌آمیز حاکمان از قدرت بگیریم، بی‌شک «شفافیت» و «مشارکت عمومی» شهروندان که از طریق گفت‌وگوی همگانی و عمومی میسر می‌شود، از مهم‌ترین مؤلفه‌های گسترش و پایداری دمکراسی هستند.

## ایران

**اصلاح طلبان و سه سطح از گفت‌وگو**

● **قاسم میرزایی‌نکو**، زحمت فرایند انتخابات برای گروه‌های اصلاح‌طلب پیش از دیگران است. چراکه آنها در موقعیتی قرار دارند که الزاما نمی‌توانند سیاست صفر و یکی را در قبال نهاد انتخابات در شرایط فعلی برگزینند. از یک سو ماهیت آنها، ماندن در درون چارچوب قوانین فعلی و تلاش دموکراتیک در درون همین چارچوب برای بهبود وضع موجود است که نتیجه آن به‌طور طبیعی نمی‌تواند شوقی به تحریم انتخابات و کاهش حضور مردم پای صندوق‌های رای باشد. از سوی دیگر هم سختی‌های فرایند انتخابات برای آنها نسبت به رقیب و همین‌طور تخفیف‌دادن تمام شرایط کشور به کارنامه آنها باعث ریزش پایگاه اجتماعی این جریان می‌شود. پایگاهی که الزاما ریزش آن به‌منتهای رویش رای رقبای اصولگرا نیست. اصلاح‌طلبان اکنون به شکل جدی در مقابل این دو راهی قرار دارند؛ آنها اگر قرار باشد این بار وارد میدان رقابت شوند آتیا اصلا دیگر توان تشکیلاتی برای عبور از سدهای مختلف منت نظارت استصوابی دارند یا خیر؟

## نتیجه

● **صابر گل‌عنبری**؛ سیاست نتانیاهو در تعامل با نوار

غزه بر مدار «شل کن و سفت کن» می‌چرخد و در سایه اولویت‌های داخلی و خارجی در ماه‌های گذشته از انتخابات و بحث تشکیل دولت گرفته تا مسئله سوریه، عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه و بحث ایران همواره تلاش کرده است که سطح تنش با غزه را در حد مشخصی نگه دارد که به انفجاری ختم نشود که دیگر اولویت‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. اما این سیاست همواره با اعتراضاتی چه از جانب راستی‌ها چه چپی‌ها مواجه بود و به نوعی از آن به‌عنوان تسلیم در مقابل حماس یاد می‌کردند. از این رو نتانیاهو نمی‌توانست در مسئله پایان‌دادن محاصره غزه از سطح مشخصی فراتر رود و امتیازات زیادی در این راستا به حماس بدهد؛ به‌ویژه در شرایط کنونی تشکیل کابینه که مجبور است در مقابل این منطقه نهنشها به تقاضات قبلی یا میانجیگری مصر پایبند نباشد بلکه برای راضی‌کردن طیفی از راستگرایان برای پیوستن به کابینه سیاست سختگیرانه‌تری هم در پیش بگیرد.

روز چهارشنبه هفته جاری برنامه‌های مرحله‌ای ایران برای انجام اقدامات متقابل در برابر خروج آمریکا از برجام اعلام خواهد شد. «ایسنا»

چند ساعت قبل از قطعی شدن این خبر نوشته بود:

یک مقام نزدیک به هیئت نظارت بر برجام اعلام کرد: احتمالاً دکتر روحانی، رئیس‌جمهور، روز چهارشنبه هفته جاری در گفت‌وگوی زنده رادیو و تلویزیونی، برنامه‌های مرحله‌ای ایران برای انجام اقدامات متقابل در برابر خروج آمریکا از برجام را اعلام خواهد کرد. این مقام ایرانی در گفت‌وگو با ایسنا، گفت: برنامه‌های پیش‌بینی‌شده در چارچوب بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام بوده و فعلا موضوع خروج از برجام مطرح نیست. وی ادامه داد: کاهش جزئی و کلی برخی تعهدات ایران و آغاز بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای که انجام آن در چارچوب برجام متوقف شده بود، اولین گام ایران در واکنش به خروج آمریکا از برجام و همچنین بدهدگی کشورهای اروپایی در اجرای تعهداتشان است. این مقام خاطرنشان کرد: مقامات اتحادیه اروپا که در یک سال گذشته فقط به ارائه وعده‌های اجرانشده اکتفا کرده‌اند، به صورت غیررسمی در جریان این تصمیم قرار گرفته‌اند.

طبق بند ۲۶ برجام، در صورت عدم پایبندی طرف مقابل به تعهدات، ایران حق دارد که به تعهدات خود توقف کلی یا جزئی بدهد.

بند ۲۶- اتحادیه اروپایی فارس از فرآیند حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده در این برجام، از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌هایی که اجرای آنها را وفق این برجام لغو کرده است، خودداری می‌کند. هیچ‌گونه

تحریم جدید هسته‌ای شورای امنیت و هیچ‌گونه تحریم جدید هسته‌ای اتحادیه اروپایی یا اقدامات محدودیت‌ساز وجود نخواهد داشت. ایالات متحده، با حسن نیت، نهایت تلاش خود را برای دوام این برجام و پیشگیری از ایجاد تداخل در تحقق متمتع‌شدن ایران از لغو تحریم‌های مشخص‌شده در پیوست ۲ به عمل خواهد آورد. دولت ایالات متحده فسارخ از فرآیند حل و فصل اختلافات پیش‌بینی‌شده در این برجام، در چارچوب نقش مشخص رئیس‌جمهور و کنگره، از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌های مشخص‌شده در پیوست ۲ که اعمال آنها را وفق این برجام متوقف کرده است، خودداری می‌کند. دولت ایالات متحده، در چارچوب نقش مشخص رئیس‌جمهور و کنگره، از اعمال تحریم‌های جدید مرتبط با هسته‌ای خودداری خواهد کرد. ایران اعلام کرده است که تحمیل یا بازگرداندن تحریم‌های مشخص‌شده در پیوست دو یا وضع تحریم‌های جدید هسته‌ای را به منزله مبنایی برای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهدات خود وفق این برجام، تلقی خواهد کرد.

بند ۳۶- چنانچه ایران معتقد باشد که هر یک یا کلیه اعضای گروه ۵+۱ تعهدات خود را طبق این برجام رعایت ننموده‌اند، ایران می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع نماید؛ به همین ترتیب، چنانچه هر یک از اعضای گروه ۵+۱ معتقد باشد که ایران تعهدات خود را طبق برجام رعایت نکرده است، هر یک از دولت‌های گروه ۵+۱ می‌تواند اقدام مشابه به عمل آورد. کمیسیون مشترک ۱۵ روز زمان

**ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن عازم خلیج فارس شد**

# هفته پر ماجرا

**بولتون: دنبال جنگ نیستیم اما آمادگی پاسخ داریم**



ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن

### واکنش شرم‌ن به بیانیه بولتون

وندی شرم‌ن، نماینده ارشد آمریکا در دوران مذاکرات هسته‌ای، به بیانیه مشاور امنیت ملی آمریکا مبنی بر اینکه این کشور در پاسخ به آنچه «برخی نشانه‌ها و هشدارهای مشکل‌ساز و جنگ‌افروزانه» از سوی ایران خوانده، ناو هواپیمابر و هواپیماهای بمب‌افکن به خاورمیانه می‌فرستد، واکنش نشان داده و گفت بولتون واقعا به دنبال آن است که ما را به جنگ با ونزوئلا و ایران وارد کند. وندی شرم‌ن، نماینده ارشد آمریکا در دوران مذاکرات هسته‌ای، با انتشار تصویر بیانیه دیروز جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا، درباره ارسال ناو هواپیمابر و هواپیماهای بمب‌افکن جدید به خاورمیانه در صفحه توییتر خود، نوشت: واقعا جان بولتون به دنبال این است که ما را درگیر جنگ با ایران و ونزوئلا کند. جنگی ندیده‌ام که او نخواهد آن را بریا کند. پس دونالد ترامپ کجاست؟ **(ایسنا)**

آمریکا به ایران است؛ حتی با دستور کاری محدود.

به نوشته ایسنا، جان بولتون به دنبال آن است که آمریکا را به سمت مواضعی سخت در برابر کره‌شمالی، ونزوئلا و ایران سوق دهد. او پیش از انتصاب به مقام خود در کاخ سفید این استدلال را مطرح کرده بود که بمباران‌کردن ایران تنها راه متوقف‌کردن ایران در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای است. هفته گذشته در سفر ظریف به نیویورک، وزیر خارجه ایران از تلاش تیم «ب» برای حمله آمریکا به ایران پرده برداشت: «بنیامین

نتانیاهو، بولتون، بن‌سلمان و بن‌زاید، ولیعهد عربستان و امارات». وزیر امورخارجه آمریکا نیز پس از بیانیه جان بولتون، استقرار ناو هواپیمابر این کشور در خاورمیانه را پیامی به ایران توصیف کرد و گفت: «ما شاهد اقدامات تحریک‌کننده از سوی ایرانی‌ها بوده‌ایم و ما ایرانی‌ها را برای هرگونه حمله به منافع آمریکا مسئول خواهیم دانست. ایرانی‌ها دقیقا می‌دانند که منظور ما از تهدیداتی که آنها در سراسر جهان داشته‌اند منافع آمریکا کرده‌اند، چیست». وزیر امورخارجه آمریکا گفت: «اگر این اقدامات (حمله مستقیم به منافع آمریکا) روی دهد، یا اگر آنها این کار را از طریق نیروهای نیابتی، مانند حزب‌الله انجام

خواهد داشت تا موضوع را فیصله دهد، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. متعاقب بررسی کمیسیون مشترک، چنانچه هر عضو معتقد باشد که موضوع پایبندی فیصله نیافته است، می‌تواند موضوع را به وزیران امور خارجه ارجاع دهد. وزیران ۱۵ روز فرصت خواهند داشت تا موضوع را فیصله دهند، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. پس از بررسی کمیسیون مشترک، به موازات یا به جای بررسی در سطح وزیران، عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیفش زیر سوال بوده است می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیأت مشورتی که متشکل از سه عضو خواهد بود(یکی از سوی هر یک از طرف‌های درگیر در اختلاف و طرف سوم مستقل)بررسی شود. هیأت مشورتی می‌بایست نظریه غیرالزام‌آوری را در خصوص موضوع پایبندی طرف ۱۵ روز ارائه نماید. چنانچه، متعاقب این فرایند ۳۰روزه موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیأت مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشد، و چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که موضوع، مصداق «عدم پایبندی اساسی» است، آنگاه طبق برنامه جامع اقدام مشترک صفحه ۱۸ طرف می‌تواند موضوع فیصله‌نیافته را به عنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهدات‌اش وفق برجام قلمداد کرده و یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ کند که معتقد است موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» بشمار می‌آید.

# ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن عازم خلیج فارس شد

نیروهای آمریکایی در دریا و خشکی هدف بالقوه باشند و پنتاگون استقرار این ناوگروه را تأیید کرده است.

در سخنانی که اخیرا از سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران منتشر شد، او از اصرار سرران آمریکا بر اجتناب از درگیری با ایران خبر داد و گفت آنها معتقدند که نباید در این مقطع حتی به صورت قطعی با ایران درگیر شد زیرا ممکن است این درگیری به جنگ بی‌پایان کشیده شود و منافع آمریکا را به خطر بیندازد. او تأکید کرد که این امر، تحلیل نیست و اطلاعات موجود آن را تأیید می‌کند.

**یک ماه پیش عازم شده**

روزنامه گاردین با انتشار بیانیه بولتون نوشته که «مشخص نیست که جان بولتون روز یکشنبه به کدام اقدامات ایران اشاره می‌کرد. اتفاق جدیدی در خلیج‌فارس که نیروهای دریایی آمریکا و ایران به طور معمول در نزدیکی هم قرار دارند، نیفتاده است و ناو آبراهام لینکلن که حامل نیروهای حمله است، یک ماه پیش از این اظهار بولتون خلیج‌فارس شده بود.»

این روزنامه ادامه داد: «اگرچه احتمال دارد در لحن بیانیه بولتون موجب افزایش تنش‌ها در منطقه شود و چند روز پس از آن مطرح شده است که حکومت ایران نگرانی‌هایی درباره این ابراز کرد که بولتون و افراد تندرو دیگر به دنبال این هستند که دولت ترامپ را درگیر یک جنگ کنند». هفته گذشته مجله «نیویورکر» در سخنانی بلند به جنگ‌طلبی‌های جان بولتون پرداخته بود. محمدجواد ظریف پیش از این نوشته بود: «امروز جهان در حال آگاهی‌یافتن از بیماری زمین‌جان بولتون برای جنگ‌افروزی است ولی ایرانی‌ها به خواندن پرونده ده هزار کلمه‌ای وی در نیویورک نیاز ندارند تا در این‌باره متقاعد شوند؛ ما پیش از این شاهد همدستی وی با یک فرقه تروریستی و همدستی وی با تیم ب در حمله به مردم ایران با تروریسم اقتصادی بوده‌ایم.»

وی همچنین در گفت‌وگو با شبکه آمریکایی سی‌بی‌اس، درباره احتمال جنگ با وجود تنش‌های موجود میان آمریکا و ایران، تصریح کرد: ما خواهان درگیری و تقابل نیستیم اما ما هفت هزار سال را با فرارکردن سپری نکرده‌ایم. ما مقاومت می‌کنیم اما به دنبال جنگ نیستیم. باورمان این است که رئیس‌جمهور ترامپ خواهان جنگ نیست اما کسانی وجود دارند که برای جنگ فشار می‌آورند. ما فکر نمی‌کنیم در این اتفاق بیفتد.

**سالگردی پرتو دینسر**

اما سرتیروی پیش‌رو پیچیدگی‌های خود را دارد، سال گذشته روز هشتم می (۱۸ اردیبهشت) بود که دونالد ترامپ به جای وعده تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران که طبق برجام باید انجام می‌گردد برای حمله‌ای احتمالی به نیروهای آمریکایی در منطقه آماده می‌شدند. این مقام که نخوست نامش فاش شود گفت گمان می‌رود

## اعزام ناو، امری عادی است

توییتر: تحلیلقران ارشد آمریکایی ضمن رد بیانیه «جان بولتون» درباره اعزام ناو این کشور به غرب آسیا، گفتند اعزام ناو موضوعی عادی است و اظهارات مشاور امنیت ملی کاخ سفید ضد ایران، «تهدید توخالی» است.
به دنبال بیانیه جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، درباره اعزام ناو هواپیمابر «یواس‌اس آبراهام لینکلن» و تهدید ایران با آن، برخی تحلیلقران ارشد آمریکایی گفتند هدف بولتون، چیزی جز «ترساندن ایرانی‌ها» نیست. «ایلان کلدنبرگ»، مدیر بخش امنیت خاورمیانه در اندیشکده «مرکز امنیت آمریکایی جدید»، در توییتری در این‌باره نوشت: «اعزام یک ناوگروه به سنکتام، اقدام غیرمعمولی نیست و احتمالا اقدامی عادی بوده که از مدت‌ها قبل برنامه آن چیده شده بود. ادبیات آتش‌افروزانه بولتون، غیرمعمولی و تحریک‌آمیز است البته حدس من آن است که این موضوع فرصتی برای تلاش به منظور ارباع ایرانی‌هاست نه چیز بیشتر». «میکا زنگو»، تحلیلقر ارشد سابق منطقه «کلمبیا» در آمریکا، هم اظهارات مشاور امنیت ملی کاخ سفید درباره اعزام ناو به منطقه غرب آسیا را رد کرد. این تحلیلقر آمریکایی در توییتری نوشت: «توسل بولتون به استقرار روتین لینکلن به منطقه استحقاقی سنکتام برای ترساندن ایران، تهدیدی توخالی و به‌طور خاصی ضعیف است.» **(فارس)**

نگاه

### بیانیه بولتون و ابهاماتش

● **امبرعلی ابوالفتح**؛ گرچه بیانیه صادره از سوی بولتون شفاف به نظر می‌رسد، با این حال، ابهاماتی نیز در آن وجود دارد؛ از جمله:

۱- حرکت ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن به سمت خلیج‌فارس از حداقل یک ماه پیش برنامه‌ریزی شده بود و ظاهرا این تصمیم ارتباطی با تشدید تنش‌های اخیر میان ایران و آمریکا ندارد.

۲- آمریکایی‌ها از تقریبا دو دهه پیش همواره ناوهای هواپیمابر به همراه یگان‌های آبی- خاکی و هواپیماهای جنگی در خلیج‌فارس داشته‌اند و جاهه‌جایی این جنگ‌افزارها، به موضعی عادی و روزمره در منطقه تبدیل شده است.

۳- خبرسانی درباره جابه‌جایی نیروهای نظامی آمریکا در گوشه و کنار جهان از جمله در خلیج‌فارس، همواره از سوی وزارت دفاع انجام می‌شود و در این امور، مشاور امنیت ملی آمریکا نقش سخنگوی پنتاگون را ایفا نمی‌کند.

۴- انتشار بیانیه بولتون جدا از اینکه پیامی هشدارآمیز برای ایران باشد، پیامی برای اثبات موقعیت برتر مشاور امنیت ملی کاخ سفید در شکل‌دادن به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و امنیتی این کشور به شمار می‌آید؛ به‌ویژه اینکه تأکید محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، بر جدایی دیدگاه دونالد ترامپ با مواضع جنگ‌طلبانه تیم «ب» به سه‌محوریت جان بولتون، حرف و حدیث‌هایی را درباره جایگاه مشاور امنیت ملی در داخل آمریکا به راه انداخته است. به نظر می‌رسد بولتون با این بیانیه قصد دارد شائبه تضعیف یا نادیده گرفته شدن خود از سوی ترامپ را برطرف کند.

۵- نهایتا اینکه در آتمکارترین هشدار نظامی هماهنگ‌کننده ارشد تیم سیاسی - امنیتی رئیس‌جمهوری آمریکا علیه ایران، به‌صراحت گفته شده است که «ایالات متحده در پی جنگ با ایران» نیست. شاید بخلاف اصرار و امیدواری جریان جنگ‌طلب مبنی بر اینکه آمریکا پیام قاطع و هشدارآمیزی به ایران ارسال کرده، جمله «ایالات متحده در پی جنگ با ایران» هدف اصلی صدور این بیانیه از سوی بولتون به عنوان شخص کلیدی تیم «ب» بوده است.

نگاه پیرون

**لس‌آنجلس‌تایمزدر تحلیلی نوشت**

### تحریم‌ها هزینه‌های پنهان روی شانه‌های آمریکا

● روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز در گزارشی با ابراز تردید نسبت به موفقیت کمپین فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران نوشت: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و مشاورانش می‌گویند که نتیجه تقابل آنها با ایران هم‌اکنون نیز مشخص است: آنها در حال پیروزی هستند. تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران درآمد‌های حاصل از صادرات نفت این کشور را کاهش داده و اقتصاد ایران با بحران مواجه است. به گزارش ایسنا، به نوشته روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز اما کوچک‌کردن اقتصاد ایران هرگز هدف اصلی آمریکا نبوده است. این تحریم‌ها همواره ابزاری برای هدفی بزرگ‌تر بوده‌اند؛ الزام تهران به پایان حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی در خاورمیانه، پذیرش محدودیت‌های موردنظر آمریکا علیه قدرت نظامی ایران و شاید نابودی همه آنها و در نهایت احتمالا جایگزینی آن با یک دولت دوستانه‌تر. اما چشم‌اندازی برای هیچ‌یک از این دستاوردها وجود ندارد و حتی بعید است که به این زودی روی دهند. ایران از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، ۴۰ سال است که تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد، اما نظام آن برقرار است. سازمان ملل پس از حمله صدام به کویت در سال ۱۹۹۰ تحریم‌هایی را علیه عراق اعمال کرد و این حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ بود که به حکمرانی او پایان داد. کمپین فشار حداکثری کاخ سفید همچنین باید هزینه‌ای که این اقدامات برای روابط آمریکا با دیگر کشورها، به‌ویژه چندین متحد نزدیکش دارد، سنجیده باشد. اکنون به گفته دولت ترامپ، از ابتدای ماه می هیچ کشوری دیگر نمی‌تواند از ایران نفت بخرد که شامل چین، به‌عنوان شریک تجاری بزرگ آمریکا و بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران و به‌علاوه هند، به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و ترکیه، به‌عنوان یک متحد ناتو که با ایران مرز مشترک دارد، می‌شود. اگر آنها خواسته ترامپ را زیر پا بگذارند، وزارت خزانه‌داری سپس باید دسترسی آنها به نظام مالی آمریکا را قطع کند. اگر سایر کشورها از این تحریم‌ها آسیب ببینند، با احساس خشمم خود از آمریکا با یکدیگر متحد خواهند شد و سرانجام راه‌هایی برای دوزدن نظام مالی آمریکا خواهند یافت که برای واکنشگتن یک شکست به شمار می‌آید. ترامپ و دستیارانش تحریم‌های جدید را طراحی کرده‌اند تا بتوانند اعلام پیروزی کنند، اما تحریم‌ها در عوض می‌تواند به یک وضعیت محکوم به شکست تبدیل شود که هیچ منفعت واقعی‌ای برای سیاست آمریکا ندارد و هزینه‌هایی پنهان در پی دارد که روی شانه‌های آنها سنگینی می‌کند.